

Timurid Monsha'ats: a newly found manuscript of Mansha ol-Enshaa'

Abolfazl Hasanabadi¹

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Abstract:

Purpose: To analyze the content of four important monsha'ats [منشآت] (collections of writings, in particular official letters) of the time of Sultan Hussein Bāyqarā (1438-1506), the Timurid prince. A newly found manuscript of Mansha ol-Enshaa' is examined against three other copies of the work.

Method and Research Design: Contents of the four manuscripts were compared in order to explore authenticity of each.

Findings and Conclusions: Mansha ol-Enshaa' is an important Timurid source for the literary and historical research. The newly found manuscript is the most complete.

Keywords:

Mansha ol-Enshaa', Timurids, Khorasan, Bakharzi, diplomatic records, Sultan Hussein Bāyqarā.

1. PhD in Local history, Astan Qods Razavi, Mashhad, I. R. Iran
Ahasanabady1@yahoo.com

Ganjine-Ye Asnad

«112»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/ganj.2019.2317

Indexed by Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | Vol. 28, No. 4, Winter 2019 | pp: 6-25(20)

Received: 20, Jul. 2016 | Accepted: 18, Feb. 2018

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

منشآت‌های دوره تیموری (براساس تحلیل منشأ الانشاء)

ابوالفضل حسن آبادی^۱

چکیده:

هدف: تشریح ارزش‌های سندی نسخه‌ای تازه‌یاب از کتاب منشأ الانشای باخرزی از آثار دوره سلطان حسین بایقرا (۸۴۲-۹۱۱ ق.).

روش / رویکرد پژوهش: نسخه تازه‌یاب معرفی و با سه نسخه از همین اثر متعلق به همین دوره مقایسه شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نسخه تازه‌یاب منشأ الانشاء کامل‌تر است و می‌تواند قابلیت آن را دارد که پژوهش‌های تازه را در مورد اسناد دوره تیموری بر اساس آن انجام داد.

کلیدواژه‌ها:

منشأ الانشاء؛ منشآت؛ دوره تیموریان؛ نظامی باخرزی؛ پژوهش‌های اسنادی.

۱. دکترای تاریخ محلی، مدیریت اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی، مشهد، ایران،
Ahasanabady1@yahoo.com



گنجینه اسناد

«۱۱۲»

فصلنامه علمی- پژوهشی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا(چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا(الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برعود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۱۹.۲۳۱۷

نمایه در ISC, SID, Researchgate و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۲۸، دفتر ۴، زمستان ۱۳۹۷ | صص: ۶-۲۵ (۲۰)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۳۰ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

تحقیقات تاریخی

مقدمه

منشآت‌ها یکی از منابع مهم در پژوهش‌های تاریخی، اجتماعی و حتی ادبی محسوب می‌شوند. در میان سواد انواع نامه‌ها و فرمان‌های مندرج در منشآت‌ها مطالب باارزش اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، سیاسی، تعامل گروه‌های مختلف در جامعه، مشاغل و نظام طبقاتی و کارکردهای دیوانی یافت می‌شود. ارزش منشآت‌ها به دوره و زمان تاریخی، پایگاه اجتماعی و حکومتی نگارنده، و میزان در دسترس بودن سایر منابع تاریخی بستگی دارد.

منشآت‌های دوره تیموری و به‌ویژه دوره سلطان حسین بایقرا به‌لحاظ تعداد و محتوا اهمیت به‌سزایی در میان منابع تاریخی این دوره دارند و یکی از غنی‌ترین منشآت‌ها در طول دوره‌های تاریخی به‌شمار می‌روند. این منشآت‌ها را به سه دسته می‌توان طبقه‌بندی کرد:

در یک دسته از منشآت‌ها جنبه‌های ادبی و زبان‌شناختی بر جنبه‌های دیگر برتری دارد، مانند *فرائد غیائی* (یوسف اهل، ۱۳۵۶)، *نامه‌ها و منشآت جامی* (جامی، ۱۳۷۸) و *منشآت میبلی* (میبلی، ۱۳۷۶). طبقه دیگری از منشآت‌ها برای آموزش فن کتابت و نویسندگی فراهم شده‌اند و هدف بیشتر آن‌ها آموزش انشا و نامه‌نگاری بوده‌است، مانند *ریاض‌الانشاء* (گاون، ۱۹۴۸م) *لطائف‌الانشاء* (نسفی، ۱۲۹۲ق) و *مخزن‌الانشاء* (کاشفی سبزواری، ۹۱۰ق)؛ دسته دیگری از منشآت‌ها دربرگیرنده مکاتبات و نامه‌ها، صورت اسناد دولتی، و احکام و وقف‌نامه‌ها هستند و در زمره مهم‌ترین منابع تاریخی به‌شمار می‌آیند، مانند *منشآت‌الانشاء* باخرزی هروی، *همایون‌نامه* (جمال‌الاسلام، ۱۳۵۶)، *شرف‌نامه* (مروارید، ۱۹۵۱) (جهادی، ۱۳۹۳، ص ۷۹)؛ در مقاله پیش‌رو به ارزش اطلاعاتی منشآت‌های نوع آخر پرداخته خواهد شد. بررسی پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که ویژه‌نامه منشآت مجله *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا* مهم‌ترین اثر در زمینه مقالات بررسی‌کننده منشآت‌هاست. صالحی در مقاله «کتاب‌شناسی توصیفی منشآت، مکاتبات، و نامه‌ها» پس از معرفی منشآت و دسته‌بندی اطلاعات منشآت‌ها، مهم‌ترین منشآت‌های دوره تیموری را به‌طور خلاصه بررسی کرده‌است (صالحی، ۱۳۸۰). مقاله «جایگاه منشآت منشی سمرقندی در پژوهش‌های تاریخی دوره تیموری» به اهمیت محتوایی این کتاب در دوره تیموری اشاره کرده‌است (منوچهری و اورجی، ۱۳۹۳). جهادی در مقاله «ترسل در عصر تیموری» از جنبه ادبی به منشآت دوره تیموری پرداخته‌است (جهادی، ۱۳۹۳). مدبری و دیگران در مقاله «بررسی محتوا و ساختار ترسل اسفزاری» با نگاه ادبی به محتوایشناسی اثر پرداخته‌اند و در قسمتی از مقاله، محتوای *مناشیر*^۱ و نامه‌ها را با نگاه سندشناسی بررسی کرده‌اند که باوجود مورخ‌نبودن نویسندگان، در نوع خود جالب است (مدبری و دیگران،

۱. *مناشیر* / *manāšir* / جمع منشور؛ فرمان‌های پادشاهی. منشور عبارت است از احکام سلطانی که مختم نباشد، یعنی سر باز باشد و آن را اکنون فرمان گویند.



۱۳۹۱). درباره منشأ‌الانشاء غیر از مقاله‌ای مختصر از همایون فرخ (همایون فرخ، ۱۳۴۸) و اطلاعاتی که در مقدمه کتاب منشأ‌الانشاء آمده، پژوهشی درخور، در قالب کتاب و یا مقاله نگارش نیافته است. از پایان‌نامه‌ها نیز به «کتاب‌شناسی منشآت دوره تیموری و نقش آن در پژوهش‌های تاریخی» می‌توان اشاره کرد (منوچهری، ۱۳۹۰).

در مقاله حاضر منشأ‌الانشاء -از منشآت دوره سلطان حسین بایقرا- با سه منشآت مهم دیگر این دوره تطبیق و بررسی می‌شود تا جنبه‌های مختلف اهمیت آن بیشتر مشخص شود. علت انتخاب این موضوع، ارزش اطلاعاتی این کتاب، اهمیت آن در پژوهش‌های تاریخی درباره دوره تیموری و به‌ویژه دوره سلطان حسین بایقرا، و ضعف نگاه تاریخی به منشآت این دوره است. روش این پژوهش تطبیقی و تحلیلی است و سعی می‌شود تا ضمن معرفی محتوای منشأ‌الانشاء و بررسی تطبیقی بین نسخه تازه یاب با دیگر نسخه‌های در دسترس (دیگر نسخه‌های منشأ‌الانشاء و منشآت مهم دوره تیموری) درباره ارزش اطلاعات سندی منشأ‌الانشاء نیز مطالبی آورده شود.

مهم‌ترین پرسش‌های مقاله عبارت‌اند از:

۱. نسخه تازه یاب منشأ‌الانشاء در قیاس با دیگر نسخه‌های آن، چه جایگاهی دارد؟
۲. اهمیت محتوایی منشأ‌الانشاء در بین منشآت‌های دوره سلطان حسین بایقرا چیست؟

معرفی نسخه‌شناسی اثر

کتاب منشأ‌الانشاء به‌همت رکن‌الدین همایون فرخ در سال ۱۳۵۷ منتشر شد. در مقدمه کتاب به تفصیل درباره نحوه شناسایی و چاپ آن توضیح داده شده و طبق اطلاعات همایون فرخ دو جلد از کتاب منشأ‌الانشاء با مشخصات زیر در اختیارش بوده است:

جلد اول: ۲۱۰ صفحه؛ قطع ۱۶ × ۲۶ سانتی‌متر؛ خط نستعلیق متوسط؛ کاغذ فرنگی نخودی؛ بدون ترقیمه؛ قرن ۱۱ قمری؛ به خط واعظ کاشفی. همایون فرخ منشأ‌الانشاء را از روی همین نسخه چاپ کرده است (نظامی باخرزی، منشأ‌الانشاء، ص ۱۲). این نسخه در حال حاضر در دسترس نیست و از وضعیت نگهداری آن نیز اطلاعی وجود ندارد.

جلد دوم: ۲۲۷ برگ^۱ (۴۵۴ صفحه)؛ هر صفحه ۱۲ سطر؛ قطع ۱۵ × ۲۴ سانتی‌متر؛ کاغذ آهارمهره سمرقندی، مُجدول به آب طلا؛ از شیوه خاصی در نوشتن پیروی نمی‌کند. کاتب آن شهاب‌الدین احمد خوافی متخلص به منشی است که نگارش کتاب را به ۹۳۸ قمری تمام کرده است. این نسخه با شماره ۱۳۶۱۵ در کتابخانه مجلس ثبت شده است. همایون فرخ تصمیم داشته است تا این نسخه را به‌عنوان جلد دوم کتاب منشأ‌الانشاء چاپ کند که با وجود حروف چینی اثر، در چاپخانه مفقود و تاکنون منتشر نشده است.

۱. ولی منوچهر ستوده تعداد صفحات ج ۲ را ۲۳۷ برگ ذکر می‌کند (نظامی باخرزی، منشأ‌الانشاء، ص ۱۵).



کتابی که در این مقاله بررسی خواهد شد، نسخه دیگری از منشأ الانشاء است که تاکنون به آن توجه نشده است. مشخصات این نسخه عبارت است از: ۵۱۷ صفحه در صفحات ۲۰ خطی؛ خط خوش نستعلیق؛ بدون تحشیه و تذهیب؛ به سال ۱۱۲۳ قمری کتابت و با شماره ۷۷۷۴ در کتابخانه مجلس ثبت شده است. دو یادداشت تاریخی به شرح زیر در کتاب آمده است:

«به تاریخ ۲۷ شهر رجب المرجب ۱۲۵۴ اقل عبادالله [یک کلمه ناخوانا]^۱ وارد دولت‌خانه شاهزادگان عظام کرام ذی‌المجد و الاحترام شدم.» در انتهای کتاب نیز ذکر شده است: «هو الله تعالی سبحانه که به تاریخ یکشنبه بیست و هفتم شهر رجب‌المرجب درحالی که در خدمت شاهزادگان عظام کرام اعلی ولی نعمت‌مان منوچهر میرزا و نواب ایرج میرزا ادام الله دولت‌هما و اقبال‌هما مشغول تدریس و تعلیم بودم، این دو کلمه علی کمال الاستعمال تحریر گردید. مشقه محمدحسن ۱۲۵۰.» این دو یادداشت به احتمال برای صاحب کتاب بوده است.

نام کاتب در انجامه نسخه، بهادر علی ذکر شده و در انجامه آمده است: «قَدْ فَرَعَ مِنْ تَسْوِيدِ هَذَا الْكِتَابِ الْمُنَشَّاتِ بِهٖ الْبَلَدَةُ الطَّيْبَةُ بِرِهَانِپُورِ. صَانَهَا اللهُ تَعَالَى مِنَ الْآفَاتِ، فِي يَوْمِ الثَّلَاثَا شَهْرِ دَهْمِ شَهْرِ رَبِيعِ الْأَوَّلِ سَنَةِ ۱۱۲۳. حَرَّرَهُ الْعَبْدُ الضَّعِيفُ الْفَقِيرُ إِلَى الْهٖ بِهَادِرِ عَلِيِّ».^۵ پایگاه اجتماعی کاتب مشخص نیست؛ ولی کتابت تمام صفحات کتاب با خط خوش نستعلیق و اندک خط خوردگی از حرفه‌ای بودن کاتب نشان دارد. در صفحاتی از نسخه مانند صفحه ۱۵۸، خط خوردگی و گاهی قلم‌گرفتگی مشاهده می‌شود و بین صفحات ۵-۲۰ برگ‌ها اشتباهی صحافی شده است و در برخی صفحات مانند صفحه ۱۵۷ افتادگی نسخه وجود دارد. نسخه سالم است؛ ولی مختصری آب‌گرفتگی دارد. بهادر علی ذکر نکرده که از روی چه نسخه‌ای این کتاب را نگارش کرده است. باتوجه به این که اسم نویسنده اصلی این جلد هم مانند جلد یک منشأ الانشاء افتادگی دارد، به احتمال زیاد از روی نسخه‌ای مشابه و کامل‌تر کتابت شده است.

نویسنده منشأ الانشاء عبدالواسع باخرزی است و چنان که در نسخه (جلد ۱ منشأ الانشاء) ذکر شده، پدرش از سادات بیغش^۶ زرکش^۷ نیشابور بوده و از طرف مادرش به خانواده علمای می‌رسیده است. پدرش جمال‌الدین مطهر باخرزی از منشیان قرن هشتم است. عبدالواسع برای کسب علم و تحصیل به هرات می‌رود و به نوشته خوافی: تمامی اوقات عمر شریف گران‌مایه به تحصیل فضائل و کمالات و تحقیق حقایق و ماهیات صرف [می‌کند و] انواع علوم را باصولها و فروعها به حدیث صحیح و منطق صحیح و قسمت صریح در معرض بیان می‌آورد (نظامی باخرزی، منشأ الانشاء، ۱۳۵۷، ص ۲).

۱. پاک‌شدگی متن عمدی بوده است.
۲. به در اینجا به معنی در آمده است.
۳. برهانپور: شهری است در ایالت مادیاپرادش کشور هندوستان که در کنار ساحل شمالی رود تاپتی و ۴۹۹ کیلومتری شهر بمبئی واقع است.
۴. در متن اصلی کلمه شهر دو بار به کار رفته است.
۵. از کتابت این کتاب منشآت فارغ شد در شهر پاک برهانپور. خداوند آن را [آن کتاب را] از آفات حفظ کند. در روز سه‌شنبه دهم ماه ربیع‌الاول ۱۱۲۳ [ق]. به تحریر درآورد بنده ضعیف و فقیر و محتاج به خدا بهادر علی.
۶. سادات بی‌غش: طبقه‌ای از سادات نیشابور
۷. احتمالاً نام مکانی در اطراف نیشابور است.



عبدالواسع در انشاء و نامه‌نگاری مهارت کامل داشته‌است. مشخص نیست چه زمانی وارد دربار بایقرا شده و چه مدت منصب دیوان رسائل را برعهده داشته‌است. در منابع هم‌زمان مانند دستورالوزراء از او به نیکی یاد شده‌است (خواندمیر، ۱۳۱۷، ص ۴۲۴). نوایی در *مجالس النفایس* از او در یک خط یاد کرده‌است: «در فن انشاء قادر و ماهر است و بسیار خوش‌خوست و هم‌تا ندارد» (نوایی، ۱۳۶۳، ص ۸۷). از مهم‌ترین آثارش به کتاب *مقامات جامی* (مایل هروی، ۱۳۷۰، ص ۱۶۹) و کتاب *گمشدهٔ جامع‌البدایع سلطانی* می‌توان اشاره کرد. در نامهٔ گلایه‌آمیزی که عبدالواسع به امیرعلی شیر نوشته و از اعمال و افعال ناپسند دشمنان شکایت کرده‌است از کتاب مذکور نام می‌برد:

«غرض از عرض این فراغت آن‌که فقیر مختل‌الحال^۱ پیش‌تر از این به‌مدت ده سال برحسب اشارت آن عالی‌حضرت به جمع و ترتیب مآثر^۲ سلطانی اشتغال نموده و در عرض پنجاه روز مُسَوِّده^۳ از آن نزدیک به هشتاد جزو مرتب گردانیده مشتمل بر مقدمه و چهار مقاله». این نسخه قبل از تکمیل از عبدالواسع گرفته می‌شود و چند سال مسکوت می‌ماند. با دستور مجدد شاه، نسخهٔ غیر منقح^۴ و بعضاً اضافه‌شده را به شاه نشان می‌دهند و باعث گرفتاری و رانده‌شدن عبدالواسع از دربار می‌شوند (نظامی باخرزی، منشأالانشاء، صص ۲۰-۲۲).

براساس منابع موجود تا سال ۸۸۸ قمری، عبدالواسع عهده‌دار دیوان رسالت و مدتی هم مسئول نوشتن فرمان‌ها و مناشیر بوده‌است. به نظر می‌رسد که ارتباط خوب او با خواجه نظام‌الملک خوافی و داشتن سمت مدرّسی دو فرزند او سبب رانده‌شدنش از دربار بوده‌است. اختلاف بین وزراء در دربار و مغضوب‌شدن آن‌ها از جمله مغضوب‌شدن خوافی بر سرنوشت عبدالواسع هم مؤثر بوده‌است؛ چون او ارتباط نزدیکی با خوافی داشته‌است و شاید یکی از علل بی‌مهری امیرعلی شیر به او و به‌سرانجام نرسیدن کتابش هم همین ارتباط بوده‌است (زکی و ولیدی طوغان، ۱۳۷۷، ص ۴۳). به‌رحال عبدالواسع در زمان حیات خود کتابی به نام منشأالانشاء نوشته‌است و آنچه امروز باقی مانده، حاصل تلاش خوافی است که به اشارهٔ امیربیک کججی صدر خراسان انگیزهٔ جمع‌آوری و تدوین منشآت پراکندهٔ استادش را پیدا کرده‌است (نظامی باخرزی، منشأالانشاء، ۱۳۵۷، صص ۹-۱۰).

باتوجه‌به فوت عبدالواسع به سال ۹۰۹ ق و تدوین اثر به سال ۹۳۸ قمری، احتمالاً محتوای اثر حدود ۳۰ سال در اختیار خوافی بوده و خود را لایق تدوین آن نمی‌دیده‌است؛ ولی به‌طورقطع به فکر تدوین آن بوده که با دستور امیربیک کججی صدر خراسان آن را به‌انجام رسانده‌است (نظامی باخرزی، منشأالانشاء، ۱۳۵۷، صص ۲۸-۳۰). در بررسی تطبیقی محتوای سه نسخهٔ مذکور از منشأالانشاء مشخص شد که نسخهٔ

۱. آشفته‌روزگار.

۲. مآثر / ma'aser / آثار نیکو که از کسی باقی مانده باشد؛ کارهای نیک؛ اخبار.

۳. مسَوِّده / mosavvade / پیش‌نویس؛ چرک‌نویس؛ مکتوبی که نوشته می‌شود تا بعداً اصلاح و پاک‌نویس شود.

۴. غیرمنقح؛ ناپاک؛ معیوب. منقح / monaqqah / ویژگی کلام پاکیزه؛ کلام اصلاح‌شده و پاکیزه‌شده از عیب‌ونقص.



چاپ شده توسط همایون فرخ و نسخه تازه یاب قرابت محتوایی بیشتری دارند. با بررسی تطبیقی سه نسخه اشاره شده، نسخه منقحی از منشأ الانشاء را می توان چاپ کرد.

نسخه مجلس منشأ الانشاء با شماره ۱۳۶۱۵	نسخه چاپ شده منشأ الانشاء توسط همایون فرخ	نسخه تازه یاب منشأ الانشاء ثبت شده در مجلس با شماره ۷۷۴
امری	مهمی	مهمی
می کرد	می گردانیم	می گردانیم
مقرر است	مقرر شد	مقرر شد
دنیایوی	دنیوی	دنیوی
مشیر	مشرف	مشرف
-	نسق	نسق
باشد	بوده	-
پارس نیل	پارس نیل	پارس نیل
پنج هزار	هزار	هزار
بازداشته	بازداشته ایم	بازداشته ایم
باسم هیچ	هیچ کس	هیچ کس

جدول ۱

بررسی تطبیقی حکم مشرفی خواجه جلال الدین قاسم هروی در مزار حضرت علی (ع) در بلخ

بررسی تطبیقی منشأ الانشاء با مهم ترین منشآت های دوره بايقرا

ابتدا سه اثر از مهم ترین منشآت های دوره بايقرا انتخاب شدند. این سه اثر از لحاظ ویژگی های محتوایی و مؤلف تشابهاتی با منشأ الانشاء دارند. سپس بعد از شرح مختصر درباره نویسندگان این سه اثر و پایگاه اجتماعی شان، این سه اثر از حیث محتوا و ارزش سندی بررسی شدند.

منشآت خواجه عبدالله مروارید: خواجه شهاب الدین عبدالله مروارید متخلص به بیانی و معروف به کرمانی فرزند خواجه شمس الدین محمد کرمانی، خوش نویس، نویسنده، شاعر، نوازنده، آهنگ ساز و سیاست مدار اواخر سده نهم و اوایل سده دهم بود (بیانی، ۱۳۶۳، ص ۳۵۰). او در نظم و خوش نویسی و موسیقی صاحب نظر بود (فضایلی، ۱۳۶۲، صص ۳۲۷ و ۳۴۶). مروارید بعد از ورود به دربار بايقرا به منصب صدارت و منصب دیوان رسالت و پروانه رسید و پس از درآمدن به جرگه امرا به جای امیر علی شیر نوایی بر فرمان ها و منشورهای سلطانی مهر می زد (میرخواند، ۱۳۳۹، ج ۷، صص ۲۵۶-۲۵۷). نسخه مورد بررسی در این مقاله نسخه مجلس به شماره ۱۶۴۹ است و شامل ۶۰ نشان می شود.

منشآت اسفزاری: معین الدین محمد زمجی اسفزاری متولد حدود ۸۵۰ق در سبزوار از تاریخ نگاران، دانشمندان و خوش نویسان عصر تیموری در قرن نهم هجری است. او در



خط تعلیق (ترسُل) نیز مهارت داشته و به شغل انشاء نامه‌ها و منشورهای دولتی مشغول بوده‌است (خواندمیر، ۱۳۵۳، ج ۴، ص ۳۴۸). معین‌الدین در سن ۲۳ سالگی در دیوان خواجه مجدالدین محمد، وزیر سلطان حسین بایقرا، به منشی‌گری مشغول شد (صفا، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۵۳۷) و هم‌زمان در علوم گوناگون مانند صرف و نحو، منطق، معانی و بیان، زبان و ادبیات عرب، قواعد انشاء، تاریخ و جغرافیا، و خوش‌نویسی به کسب مهارت پرداخت (گلچین معانی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۴۹). اسفزاری در دربار سلطان حسین بایقرا تا آن‌جا ترقی یافت که نشان شاهی را به او سپرده بودند؛ نشانی که مهر رسمی دربار سلطنت بود (نفیسی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۵۲).

منشآت اسفزاری موردبررسی به شمارهٔ ۱۳۷۱۸ در کتابخانهٔ مجلس ثبت شده‌است. این کتاب در چهار منشأ^۱ و یک خاتمه نگارش یافته‌است که منشأ اول آن در سه فصل به نشان‌ها اختصاص دارد. فصل اول، درباریان و مشاغل دیوانی را دربرمی‌گیرد، فصل دوم دربارهٔ نشان‌های علما و اهل فضل و فصل سوم مناشیر متفرقه است و در مجموع ۴۲ نشان را شامل می‌شود (مدبری و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۸).

منشآت شرف: افضل‌الدین معروف به شرف هروی از منشیان دربار سلطان حسین بایقرا بوده‌است. اطلاعات زیادی از زندگی او در دست نیست. منشآت شرف (شرف‌نامهٔ هروی) در زمرهٔ منابع چاپ‌نشدهٔ دورهٔ تیموری محسوب می‌شود و با شمارهٔ ۱۰۵۸۵ در ادارهٔ مخطوطات آستان قدس نگهداری می‌شود. ابتدا و انتهای نسخهٔ موردبررسی مشخص نیست و ۳۷ نشان در آن آمده‌است.

بررسی زندگی نویسندگان منشآت‌های مذکور نشان می‌دهد که هنرمند، نویسنده، خطاط و خوش‌نویس، مدرس و عارف و مورخ بودن از ویژگی‌های فردی چهار نویسندهٔ منشآت‌های مذکور است. داشتن مناصب دیوانی و در نتیجه ارتباط اداری قوی با دربار بر اعتبار سیاسی آن‌ها می‌افزوده‌است. این مؤلفان دستی نیز در تاریخ داشته‌اند. تاریخ شاهی مروارید و تاریخ گمشدهٔ سلطان حسین بایقرا (جامع‌البدایع سلطانی) از باخرزی در اختیار نیست تا بتوان دربارهٔ سبک تاریخ‌نگاری این دو قضاوت کرد؛ ولی تاریخ هرات (روضات‌الجنت فی اوصاف مدینة هرات) بیانگر توانمندی علمی اسفزاری است. با توجه به محدود بودن اطلاعات دربارهٔ حضور این منشیان در دربار بایقرا، دربارهٔ ارتباطشان و یا استفاده‌شان از محتوای اطلاعاتی یکدیگر نمی‌توان دقیق اظهار نظر کرد؛ ولی مناصبشان در دربار امکان دسترسی به محتوای اسناد نوشته‌شدهٔ دیگران را هم برای‌شان فراهم می‌کرده‌است. ارتباط این منشیان با صاحبان قدرت، ممکن است برخی کدورت‌ها را هم بین آن‌ها به وجود آورده باشد. خواجه عبدالله مروارید با امیرعلی شیر رابطه‌ای حسنه

۱. منشأ: (mansa) جای پیداشدن؛ محل پیدایش و محل نمو و پرورش (عمید، ۱۳۹۰، ذیل واژه).



داشته؛ چنانچه واصفی آورده است: «علی شیر را غزلی مستزاد بوده که مروارید صوتی بر آن بسته بود و در هرات مشهور شده است» (واصفی، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۴۳۸). مروارید بعد از کشته شدن نظام الملک خوافی - حامی باخرزی - با حمایت علی شیر به قدرت (صدارت) می رسد و باخرزی بعد از آن از دربار رانده می شود (فراهانی منفرد، ۱۳۸۲، ص ۴۷).

بررسی تطبیقی تعداد و نوع نشان های آورده شده در منشآت های بررسی شده حاکی از برخی ویژگی های مهم در منشأ الانشاء است که در دیگر منشآت ها کم رنگ است و یا نیست. منشأ الانشاء ۱۱۵ نشان، منشآت خواجه عبدالله ۶۰ نشان، منشآت اسفزاری ۴۴ نشان، و منشآت هروی ۳۷ نشان دارد. ۱۳ نشان از خواجه مجدالدین محمد خوافی و خواجه نظام الملک (به دلیل رابطه باخرزی با این دو)، ۹ نشان ترخانی^۱، ۸ نشان از مشاغل، ۱۵ نشان از انتصابات حکومتی، و ۱۳ نشان از اسناد مربوط به صدور مهم ترین نشان های آورده شده در منشأ الانشاء هستند. برخی از نشان های موردی ذکر شده در منشأ الانشاء هم برای مطالعات تاریخ مشهد و خراسان اهمیتی فراوان دارد؛ این نوع نشان ها در دیگر منشآت ها ذکر نشده است. از آن جمله به نشان طرفه خوانی^۲ و منصب اذان برای ضیاء الدین مقری (صص ۷۷-۸۰) و نشان تدریس افضل الدین موسوی در آستان قدس (صص ۱۳۱-۱۳۳)، در منشأ الانشاء می توان اشاره کرد. از طرفی برخی نشان های مهم در منشأ الانشاء نیست، ولی در دیگر منشآت ها ذکر شده است؛ از جمله: نشان های سیورغال درویش علی شاه (ص ۵۴)، و نشان درباب احداث غلورخانها [غلورخانه ها]^۳ (ص ۵۶) در منشآت مروارید؛ منصب پروانچی (صص ۵۳-۵۵)، منشور تویق سلطانی (صص ۵۵-۵۹)، نشان نیابت خالصات (صص ۸۴-۸۷)، ادرار^۴ شاه قاسم (صص ۱۴۶-۱۵۰)، و نشان محمود صیاد (صص ۱۷۳-۱۷۶) در منشآت اسفزاری؛ نشان خواجه غیاث الدین محمد دهمدار (ص ۳۶)، و نشان استاد اول مشکچی (صص ۵۳-۵۴) در منشآت شرف.

بررسی تطبیقی -محتوایی نشان غیاث الدین محمد صدر در منشآت های یاد شده بیانگر تفاوت قلم و سبک نگارش با وجود اشتراکات اجزای سندی است. در نشان صدر در منشآت اسفزاری مقدمه طولانی بیست خطی با استفاده از کلمات صدر و صدور آورده شده و در شرح وظایف، مفصل به کارکرد منصب صدر پرداخته شده است (اسفزاری، منشآت، ص ۴۱)؛ در حالی که در نشان صدر در منشأ الانشاء مقدمه ای کوتاه تر نوشته شده و تفصیل کمتری در وظایف به کار رفته است (نظامی باخرزی، منشأ الانشاء، ۱۳۵۷، ص ۲۷۸). در نشان صدر در منشآت شرف نیز مقدمه ای طولانی درباب صدر با استفاده از کلمات مشابه منشآت اسفزاری استفاده شده، ولی در شرح وظایف تفاوت هایی وجود دارد (شرف هروی، منشآت شرف، ص ۴۹). در منشآت مروارید نیز مقدمه ای کوتاه با شرح وظایفی

۱. ترخانی به منصبی در دستگاه دیوانی اطلاق می شده است که در آن فرد ترخان از تمام تکالیف حکومتی و دیوانی معاف بوده است و در مقایسه با سایر اقدار مردم، از حداکثر حقوق بهره مند می شده است. آنچه در تاریخ مغول و سپس تیموریان مبنای تعریف ترخان قرار گرفته است، موضوع معافیت و حق ویژه برای سران نظامی است که در جنگ ها پیروزی کسب می کرده اند (Laufer, 1917, p592).
 ۲. طرفه: شگفت و نادر از هر چیزی (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه).
 ۳. غلورخانه: جایی بوده است برای پخت غذا و اطعام فقرا و زواران. نوعی غذای محلی هم در خراسان پخت می شود به نام غلور که آش (حلیم) نذری است.
 ۴. کلمه ای عربی به معنی پیوسته گردانیدن عطا؛ آن چه بر سیل انعام به کسی دهند (شریک امین، ۱۳۵۷، ص ۱۸).



مختصر درباب منصب صدر آورده شده است. در نشان آورده شده درباره صدر سبک نگارشی مروارید با باخرزی مشابهت بیشتری دارد و هروی با اسفزاری؛ همچنین سلیقه و سبک نگارش بر میزان محتوای آورده شده تأثیر مستقیم دارد.

نوع نشان	منشأ/الانشاء	منشآت مروارید	منشآت اسفزاری	منشآت شرف	جمع
نشان حج	۴	۶	-	۱	۱۱
نشان راه	۳	-	۱	-	۴
نشان صدور	۱۳	۵	۴	۲	۲۴
نشان موقوفات	۸	۴	۱	۲	۱۵
نشان تدریس و تعلیم	۵	۵	۳	۵	۱۸
نشان آستانه و خانقاه	۸	۵	۲	۲	۱۷
نشان قضاوت	۳	۲	۲	۲	۹
نشان لطف و بخشش	۱۵	۴	۷	۵	۳۱
نشان ترخانی	۹	۱	-	۲	۱۲
نشان شغلی	۸	۲	۶	۲	۱۸
نشان احتساب	۶	۶	۲	۱	۱۵
نشان امامت و شیخی	۳	۲	۴	۱	۱۰
نشان داروغه	۳	۱	۲	۱	۷
نشان انتصابات حکومتی	۱۵	۱۲	۸	۶	۴۱
نشان معماری	۲	۱	-	۱	۴
متفقه	۱۰	۴	۲	۴	۲۰
	۱۱۵	۶۰	۴۴	۳۷	۲۵۶

جدول ۲

بررسی تطبیقی انواع نشان‌های آمده در منشآت‌های دوره تیموری



در زمینه سندشناسی، دسته‌بندی محتوایی منشآت‌ها نشان می‌دهد که تنها در منشآت‌الانشاء عناوینی مشخص برای جداسازی محتوا آورده شده‌است؛ برای نمونه، فصل در نشان (صص ۶۷-۸۱)، منشورهای ابوالغازی سلطان حسین میرزا (صص ۹۵-۱۴۵)، و معافیات^۱ اعظم خراسان (صص ۱۶۹-۱۶۶).

منشآت اسفزاری نشان‌ها را در یک منشاء ذکر کرده و در چند فصل کلی تقسیم‌بندی کرده‌است؛ ولی در دیگر منشآت‌ها تقسیم‌بندی مشخصی برای محتواشناسی آثار عرضه نشده‌است.

بررسی ساختار سندشناسی نشان‌های به‌کاررفته در این منشآت‌ها نشانگر تشابهات بسیار و تفاوت‌های اندک است. نشان‌های آمده در این منشآت‌ها شامل چند قسمت عنوان، خطاب به گیرندگان، مقدمه برای ورود به بحث متناسب با موضوع، انگیزه صدور نشان، نام فرد گیرنده فرمان و قبل و بعد از نام او، علت انتصاب فرد، وظایف شغلی، طرف خطاب سند و وظایف آن‌ها، تأکید مجدد بر انجام صحیح وظایف، [مقدار] مواجب، و تهدید و عقاب برای انجام‌ندادن کار است. در بررسی تطبیقی نشان احتساب نورالدین محمد اشرف مشخص می‌شود که در منشآت‌الانشاء تمام اجزای ذکرشده به‌جز تأکید بر تلاش مجدد گیرنده سند آمده‌است (صص ۱۱۶-۱۱۸). در منشآت مروارید اجزای طرف خطاب سند و وظایف آن‌ها، تأکید مجدد بر انجام صحیح وظایف، مواجب، و تهدید و عقاب برای انجام‌ندادن کار در متن نشان نیامده‌است. در منشآت اسفزاری که پیش‌نویس حکم احتساب بدون نام‌بردن از فرد است، ذکری از خطاب گیرنده، دعا، مواجب و تهدید و عقاب انتهای سند نیامده‌است (صص ۱۰۹-۱۱۰). در منشآت شرف به مواجب و تهدید و عقاب برای انجام‌ندادن کار اشاره نشده‌است.

در مجموع در بررسی تطبیقی اجزای سند مشخص می‌شود که ساختار سندی نشان‌ها در منشآت‌ها یکدست نیست؛ مثلاً در برخی مانند منشآت‌الانشاء محتوا کامل‌تر است. یکدست نبودن محتوای نشان‌های ذکرشده در بین منشآت‌ها، به‌صورت جداگانه در خود منشآت‌ها هم دیده می‌شود.

۱. املاکی که از پرداخت مالیات معاف بودند؛ زمین‌های مزروع و مستقلاتی که از آن‌ها مالیات گرفته نمی‌شد.



عنوان کتاب	منشأ/الانشاء	منشآت مروارید	منشآت استزاری	منشآت شرف
عنوان سند	فرمان احتساب نورالدین محمد اشرف	نشان احتساب مولانا نورالدین	پیش نویس حکم کلی احتساب	نشان احتساب مولانا نورالدین محمد
خطاب گیرنده	*	*	-	*
دعا برای گیرندگان	*	*	-	*
انگیزه صدور	*	*	*	*
گیرنده سند	*	*	*	*
وظایف شغلی	*	*	*	*
مواجب	*	-	-	-
خطاب به طرف‌های فرمان	*	-	*	*
تأکید بر تلاش مجدد گیرنده سند	*	-	*	*
تهدید و عقاب	*	-	-	-

جدول ۳

بررسی موردی تحلیل شاخصه‌های
سندشناسی در حکم احتساب مولانا نورالدین
محمد اشرف

ارزیابی نهایی

منشآت‌های دوره تیموری، به‌ویژه منشآت‌های عصر سلطان حسین بایقرا اهمیت زیادی در پژوهش‌های تاریخی دارند. منشأ/الانشاء یکی از مهم‌ترین منشآت‌های این دوره است.



این منشآت را خوفافی با جمع‌آوری نامه‌های پراکندهٔ استادش (عبدالواسع باخرزی) به‌انجام رسانده‌است. این منشآت به‌علت سِمَت باخرزی در دربار و دسترسی‌اش به اسناد و فرمان‌ها اهمیت زیادی دارد. تاکنون سه نسخه از این کتاب شناسایی شده‌است که دو نسخه از آن با شماره ۷۷۷۴ و ۱۳۶۱۵ در مجلس شورای اسلامی ثبت شده‌است؛ این دو نسخه در اختیار همایون فرخ بوده‌است که جلد اول را در سال ۱۳۵۷ چاپ کرده و جلد دوم به‌علل نامعلوم منتشر نشده‌است. نسخهٔ تازه‌یاب منشأالانشاء که در این مقاله بررسی شد از لحاظ نسخه‌شناسی و نسخه‌پژوهی ارزشمند است و با بررسی تطبیقی آن با دو نسخهٔ قبلی، نسخهٔ منقّحی را می‌توان تصحیح کرد و در اختیار پژوهش‌گران قرارداد. سه منشآت بررسی‌شدهٔ دیگر، به‌دلیل اهمیت شخصیت و پایگاه اجتماعی مؤلفانشان برای بررسی تطبیقی با منشأالانشاء انتخاب شده بودند. یافته‌ها نشان می‌دهد که از نظر محتوایی تعداد نشان‌های منشأالانشاء از بقیهٔ منشآت‌ها بیشتر است و به‌لحاظ سندشناسی نیز بعضاً از اجزای کامل‌تری برخوردار است. نکتهٔ قوت منشأالانشاء در این بررسی تطبیقی، تعداد و تنوع نشان‌ها و ساختاربندی اطلاعات عرضه‌شده است.

منابع

نسخهٔ خطی

- زمجی اسفزاری هروی، معین‌الدین محمدبن عبدالله متخلص به نامی. منشآت زمجی اسفزاری. نسخهٔ خطی شماره ۱۳۷۱۸. کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی.
- شرف هروی، افضل‌الدین. منشآت شرف. قرن نهم. نسخهٔ خطی شماره ۱۰۵۸۵. سازمان کتابخانهٔ موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- کاشفی سبزواری، کمال‌الدین حسین‌بن‌علی. (۹۱۰ق). مخزن‌الانشاء. نسخهٔ خطی ۷۹۳۲. قم: کتابخانهٔ مرعشی.
- مروارید، شهاب‌الدین عبدالله. منشآت خواجه‌عبدالله مروارید. نسخهٔ خطی شماره ۱۶۴۹. کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی.
- نسفی، نصرالله‌بن‌علاء‌البناء. (۱۲۹۲ق). لطایف‌الانشاء. نسخهٔ خطی شماره ۹۸۸۳. قم: کتابخانهٔ مرعشی.
- نظامی باخرزی، عبدالواسع. (۹۳۸ق). منشأالانشاء. نسخهٔ خطی شماره ۷۷۷۴. کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی.
- نظامی باخرزی، عبدالواسع. منشأالانشاء. نسخهٔ خطی شماره ۱۳۶۱۵. کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی.



کتاب

- بیانی، مهدی. (۱۳۶۳). *احوال و آثار خوش‌نویسان*. تهران: انتشارات علمی.
- جامی، نورالدین عبدالرحمان بن احمد. (۱۳۷۸). *نامه‌ها و منشآت جامی*. (عصام‌الدین اورون بایف و اسرار رحمانوف، مقدمه‌نویسان و مصححان). تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.
- جمال‌الاسلام، محمدبن علی. (۱۳۵۶). *همایون‌نامه*. (رکن‌الدین همایون فرخ، کوشش‌گر). تهران: دانشگاه ملی ایران.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین. (۱۳۱۷). *دستورالوزراء*. (سعید نفیسی، مصحح). تهران.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین. (۱۳۵۳). *تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر*. (ج ۴). (محمد دبیر سیاقی، کوشش‌گر). تهران: کتاب‌فروشی خیام.
- زمجی اسفزاری هروی، معین‌الدین محمدبن عبدالله متخلص به نامی. (۱۳۳۸). *روضات الجنات فی اوصاف مدینه‌هرات*. (۲جلدی). (محمدکاظم امام، محقق). تهران: دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامهٔ دهخدا*. (محمد معین و سیدجعفر شهیدی، ناظران). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شریک امین، شمیسی. (۱۳۵۷). *فرهنگ اصطلاحات دیوانی دورهٔ مغول*. تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۳). *تاریخ ادبیات در ایران*. (ج ۴). تهران: فردوس.
- عمید، حسن. (۱۳۹۰). *فرهنگ عمید*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فرهانی منفرد، مهدی. (۱۳۸۲). *پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان*. تهران: انجمن آثار و مفاخر ملی.
- فضایلی، حبیب‌الله. (۱۳۶۲). *اطلس خط*. اصفهان: انتشارات مشعل.
- گاو، عمادالدین محمود. (۱۹۴۸). *ریاض‌الانشاء*. حیدرآباد: انتشارات سرکار عالی.
- گلچین معانی، احمد. (۱۳۶۳). *تاریخ تذکره‌های فارسی*. (ج ۲). تهران: کتابخانهٔ سنایی.
- مروارید، خواجه‌عبدالله. (۱۹۵۱). *شرف‌نامه*. (هانس روبرت رومر، مترجم و مفسر). ویسبادن: هیئت مستشرقین فرهنگستان ماینس.
- میبدی، قاضی حسین بن معین‌الدین. (۱۳۷۶). *منشآت میبدی*. (نصرت‌الله فروهر، کوشش‌گر). تهران: نشر نقطه؛ دفتر نشر میراث مکتوب.
- میرخواند، محمدبن خاوندشاه. (۱۳۳۹). *تاریخ روضه‌الصفاء*. تهران: خیام.
- نظامی باخرزی، عبدالواسع. (۱۳۵۷). *منشأالانشاء*. (رکن‌الدین همایون فرخ، کوشش‌گر). تهران: دانشگاه تهران.
- نظامی باخرزی، عبدالواسع. (۱۳۷۱). *مقامات جامی، گوشه‌هایی از تاریخ فرهنگی و اجتماعی خراسان در عصر تیموریان*. (نجیب مایل هروی، مقدمه‌نویس، مصحح، تعلیقه‌نویس). تهران: نشر نی.



نفیسی، سعید. (۱۳۶۳). *تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری*. تهران: فروغی. نوایی، امیرعلی شیر. (۱۳۶۳). *تذکره مجالس النفایس*. (علی اصغر حکمت، مقدمه، نويس و مصحح). تهران: منوچهری

واصفی، زین الدین محمود. (۱۳۴۹). *بدايع الوقایع*. (الکساندر بولدیرف، مصحح). تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ. یوسف اهل، جلال الدین. (۱۳۵۸). *فراند غیائی*. (حشمت مؤید، کوشش گر). (ج۲). تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ.

مقاله

جهادی، سیدامیر. (۱۳۹۳). «ترسّل در عصر تیموری». *کهن نامه ادب پارسی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره دوم (تابستان)، صص ۷۵-۹۸. زکی و لیدی طوغان، احمد. (۱۳۷۷). «امیرعلی شیر نوایی بزرگترین شخصیت ادبی ترک». (مریم ناطق شریف، مترجم). *نامه پارسی*، سال سوم، شماره ۳، صص ۳۹-۵۷. صالحی، نصرالله. (۱۳۸۰). «کتاب‌شناسی توصیفی منشآت، مکاتبات، و نامه‌ها». *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره ۵۱ و ۵۲، صص ۵۵-۱۵۲. مایل هروی، نجیب. (۱۳۷۰). «جایگاه آثار باخیزی در خراسان‌شناسی». *مشکوة*، شماره ۳۱، تابستان، صص ۱۶۸-۱۸۲.

مدبری، محمود؛ صرفی، محمدرضا؛ بصیری، محمدصادق؛ جهادی، سیدامیر. (۱۳۹۱). «بررسی محتوا و ساختار ترسّل اسفزاری». *متن‌شناسی ادب فارسی*، دوره ۴، شماره ۳، پاییز، صص ۱-۲۴. منوچهری، علی؛ اورجی، فاطمه. (۱۳۹۳). «جایگاه منشآت نصرالله بن عبدالؤمن منشی سمرقندی در پژوهش‌های تاریخی دوره تیموری». *گنجینه اسناد*، سال بیست و چهارم، دفتر دوم (تابستان)، صص ۶۰-۸۱. همایون فرّخ، رکن الدین. (۱۳۴۸). «هنر دوره تیموری و معرفی هنرمندی والامقام و یک اثر ناشناخته از آن ایام». *وحید*، شماره ۷۱ (آبان)، صص ۹۹۴-۱۰۱۱.

پایان‌نامه

منوچهری، علی. (۱۳۹۰). «کتاب‌شناسی منشآت دوره تیموری و نقش آن در پژوهش‌های تاریخی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته اسناد و مدارک تاریخی، گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

منابع لاتین

Laufer, Berthold. (1917). "Loan-Words in Tibetan". *Sino-Iranica*, vol.1.



English Translation of References

Manuscripts

- Morvarid, Shahab Al-Din Abdullah. “**Monša’āt-e XājehAbdullāhMorvārid**” (Letters of Khajeh Abdullah Morvarid). Manuscript number:1649. Ketābxāne-ye Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament).
- Nasafi, Nasrullah Ibn Ala Al-Bana’. (1292 AH /1875 AD). “**Latāyef al-enšā**” (The intricacies of composition). Manuscript number: 9883. Qom: Ketābxāne-ye Mar’aši (Marashi Library).
- NezamiBakhrāzi, Abd Al-Vase’. (938 AH/ 1532 AD). “**Manša’ al-enšā**” (The origin of composition). Manuscript number:7774. Ketābxāne-ye Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament).
- NezamiBakhrāzi, Abd Al-Vase’. “**Manša’ al-enšā**” (The origin of composition). Manuscript number:13615. Ketābxāne-ye Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament).
- KashefiSabzevari, Kamal Al-din Hussain Ibn Ali. (910AH/1532 AD). “**Maxzan al-enšā**” (Reservoir of composition). Manuscript number: 7932. Qom: Ketābxāne-ye Mar’aši (Marashi Library).
- SharafHeravi, Afzal Al-Din. (9th century AH/15th century AD). “**Monša’āt-e šaraf**” (Letters of honor). Manuscript number: 10588. Sāzmān-e Ketābxāne-hā muze-hā va markaz-e asnād-eāstān-e qods-e Razavi (Central Library of Astan Quds Razavi).
- ZamchiEsfazariHeravi, Mo’een Al-Din Mohammad Ibn Abdullah (pseudonym: Nami). “**Monša’āt-e Zamči-ye Esfazāri**” (The letters of ZamchiEsfazari). Manuscript number: 13718. Ketābxāne-ye Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament).

Books

- Amid, Hassan. (1390/2011). “**Farhang-e Amid**” (Amid dictionary). Tehran: Enteshārāt-e Amir Kabir.[Persian]
- Bayani, Mahdi. (1363/1984). “**Ahvāl va āsār-e xoš-nevisān**” (The life and works of calligraphers). Tehran: Enteshārāt-e ‘Elmi.[Persian]



- Dehkhoda, Ali Akbar. (1377/1998). *“Loqat-nāme-ye Dehxodā”* (Dehkhoda lexicon). Supervised by Mohammad Moeen & Sayed Jafar Shahidi. Tehran: Mo’assese-ye Enteshārāt va Čāp-e Dānešgāh-e Tehrān (Tehran University Institute of Print & Publication).[Persian]
- Farahani Monfared. Mahdi. (1382/2003). *“Peyvand-e siāst va farhang dar asr-e zavāl-e Teymuriān va zohur-e Safaviān”* (The link between politics and culture at the of fall of Timurid and the rise of Safavid era). Tehran: Anjoman-e Āsār va Mafāxer-e Melli (Society for the National Heritage of Iran).[Persian]
- Fazaeli, Habibullah. (1362/1983). *“Atlas-e xat”* (Calligraphy atlas). Esfahan: Enteshārāt-e Mašāl.[Persian]
- Gavan, Emaduddin Mahmoud. (1948). *“Riāz-ol enša”* (Gardens of Composition). Heydar Abad: Enteshārāt-e Sarkār a’āli.
- Golchin Ma’ani, Ahmad. (1363/1984). *“Tārix-e tazkere-hā-ye Fārsi”* (The history of Persian memoirs). (vol. 2). Tehran: Ketābxane-ye Sanāyi (Sanayi Library).[Persian]
- Jamal Al-Islam, Mohammad Ibn Ali. (1356). *“Homāyun name”* (The tales of Humayun). Edited by Rokn Al-Din Homayoun Farokh. Tehran: Dānešgāh-e Melli-ye Irān (National University of Iran). [Persian]
- Jami, Nour Al-Din Abdurrahman Ibn Ahmad. (1378/1999). *“Nāme-hā va monšā’āt-e Jāmi”* (Letters and correspondences of Jami). Edited by Esam al-Din Ourun Bayef, Asrar Rahmanuf. Tehran: Markaz-e Našr-e Mirās-e Maktub (Written Heritage Center of Islam & Iran).[Persian]
- Khandmir, Qias Al-Din Ibn Homam Al-Din. (1317/1938). *“Dastur-ol vozarā”* (Ministers’ guide). Edited by Saeed Nafisi. Tehran.[Persian]
- Khandmir, Qias Al-Din Ibn Homam Al-Din. (1353/1974). *“Tārix-e habib al-siyar fi axbār-e afrād-e bašar”* (History, a dear friend to the souls in knowing of human beings). (vol. 4). Tehran: KetābForuši-ye Xayyām (Khayyam Bookstore). [Persian]
- Meybodi, Ghazi Hossein Ibn Moeenuddin. (1376/1997). *“Monšā’āt-e Meybodi”* (Meybodi’s correspondences). Edited by Nosratullah Forouhar. Tehran: Našr-e Noqteh, Markaz-e Našr-e Mirās-e Maktub (Written Heritage Publishing Center).[Persian]



- Mirkhand, Mohammad Ibn Khavand Shah. (1339/1960). *“Tārix-e rowzat as-safā”*
(The gardens of purity in the biography of the prophets and kings and caliphs).
Tehran: Xayyām.[Persian]
- Nafisi, Saeed. (1363/1984). *“Tārix-e nazm va nasr dar Irān va dar zabān-e Fārsi tā pāyān-e qarn-e dahom-e Hejri”* (The history of prose and poetry in Iran and in Persian language till the end of the tenth Hijri century). Tehran: Foruqi.[Persian]
- Navayi, Amir Ali Shir. (1363/1984). *“Tazkere-ye majāles an-nafāyes”*
(Reminiscent of precious congregations). Edited by Ali Asghar Hekmat.
Tehran: Manučehri.[Persian]
- NezamiBakhrāzi. Abdulwase‘. (1357/1978). *“Manša al-enša”* (The origin of composition).
Edited by Roknuddin HomayounFarokh. Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (Tehran University).[Persian]
- NezamiBakhrāzi. Abdulwase‘. (1371/1992). *“Maqāmāt-e Jāmi, guše-hā-yi tārix-e farhangī va ejtemāee-ye Khorasan dar asr-e Teymuriān”* (Jami melodic modes, aspects of the cultural and social history of Khorasan during Timurid era). Edited by Najib MayelHeravi. Tehran: Našr-e Ney.[Persian]
- Morvarid, Khajeh Abdullah. (1951). *“Šaraf-nāme”* (The book of honor). Translated and interpreted by Hans-Robert Roemer. Wiesbaden: Hey‘at-e Mostašreqin-e Farhangestān-e Mānis (Orientalists’ Cultural Society of Manis).
- Safā, Zabihullah. (1383/2004). *“Tārix-e adabiāt dar Irān”* (The history of literature in Iran). (vol. 4). Tehran: Ferdows.[Persian]
- Sharik Amin, Shamis. (1357). *“Farhang-e estelāhāt-e divāni-ye dore-ye Moqol”* (The glossary of court terms in Mongolian era). Tehran: Farhangestān-e Adab va Honar-e Irān (The Iranian Academy of Arts) (IAA).[Persian]
- Vasefi, Zeynuddin Mahmūd. (1349/1970). *“Badāye al-waqāye”* (The most exquisite accounts). Edited by Aleksandr N. Boldyrev. Tehran: Enteshārāt-e Bonyād-e Farhang (The Cultural Foundation Publications).[Persian]
- Yousef Ahl, Jalaluddin. (1358/1979). *“Farāed-e Qiāsi”* (Comparative correspondences). Edited by Heshmat Mo‘ayed. (vol. 2). Tehran: Enteshārāt-e Bonyād-e Farhang (The



Cultural Foundation Publications).[Persian]

ZamchiEsfazariHeravi, Mo'een Al-Din Mohammad Ibn Abdullah (pseudonym: Nami). *"Rowzāt al-jannāt fi owsāf-e madinat-e Herāt"* (Gardens of paradise in the description of the city of Herat). (2 vols.). Researched by Mohammad KazemEmam. Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (Tehran University).

Articles

HomayounFarrokh, Roknuddin. (1348/1969). "Honar-e dore-ye Teymurin va mo'arrefi-ye honarmandi vālā-maqām va yek asar-e nāšenāxteh az ān ayyām" (Timurid art and introducing an honorable artist and an unknown work of art from those days). *Vahid*, autumn 1969, (71), pp. 994-1011.[Persian]

Jahadi, Seyed Amir. (1393/2014). "Tarassol dar asr-e Teymuri" (Epistolary in Timurid era). *Kohan-nāme-ye adab-e Pārsi, Pažuhešgāh-e 'Olum-e Ensāni va Motāle'āt-e Farhangi (Research Center of the Humanities and Cultural Studies)*, summer 2014 (3), pp. 75-98.[Persian]

Laufer, Berthold. (1917). "Loan words in Tibetan". *Sino-Iranica*, vol.1.

Manuchehri, Ali; Oroji, Fatemeh. (1393/2014). "Jāygāh-e monšā'āt-e Nasrullah Ibn Abdul-Momen-e Monši-ye Samarqandi dar pažuheš-hā-ye tārixi-e dore-ye Teymuri" (The value of monsha'atSamarghandi for studies of the Timurid era). *Ganjine-ye Asnād*, summer 2014, 24th year (2), pp. 60-81. [Persian]

Mayel Heravi, Najib. (1370/1991). "Jāygāh-e āsar-e Bāxrazi dar Khorāsān-šenāsi" (The role of Bakhrzi's works in knowing Khurasan). *Meškāt*, summer 1991 (31), 168-182.[Persian]

Modabberi, Mahmoud, Sarfi, Mohammad Reza, Basiri, Mohammad Sadegh & Jahadi, Seyed Amir. (1391/2012). "Barresi-ye mohtavā va sāxtār-e tarassol-e esfazāri" (An investigation of the content and structure of Esfazari epistolary). *Matn-šenāsi-ye Adab-e Fārsi*, autumn 2012, 4(3), pp. 1-24.[Persian]

Salehi, Nasrullah. (1380/2001). "Ketāb-šenāsi-ye tosifi-ye monšā'āt, mokātebāt va name-hā"



(Descriptive bibliography of correspondences, written communications and letters).

Ketāb-e Māh-e Tārix va Joqrāfiā (Monthly Book of History and Geography, (51 & 52), pp. 55-152.[Persian]

ZakiValidiTowghan, Ahmad. (1377/1998). "Amir Ali Šir Navāyi bozorgtarin šaxsīat-e tork" (Amir Ali Shir Navayi, the greatest Turkish figure). Translated by Maryam Nategh Sharif. *Nāme-ye Pārsi* (Persian Letter), 3rd year (3), pp. 39-57.

Dissertations

Manouchehri, Ali. (1390/2011). "*Ketāb-šenāsi-ye monša'āt-e dore-ye Teymuri va naqš-e ān dar pažuheš-hā-ye tārixī*" (*The bibliography of the correspondences in Timurid era and its role in historical studies*). (Masters' dissertation in Historical Archives and Documents). Tehran University, Faculty of Literature and Humanities, Department of History.[Persian]

